علیرضا اسماعیلی[1]

باغ و عمارت چهل‌ستون در آیینهٔ اسناد دورهٔ پهلوی اول

سند

باغ چهل‌ستون از مجموعهٔ باغهای شاهی در دولت‌خانهٔ صفوی در اصفهان است که شاه عباس اول صفوی بنیاد کرد. بعدها، در دورهٔ دیگر شاهان صفوی، به‌ویژه شاه عباس دوم، عمارت آن گسترش یافت. در دورهٔ قاجاریان، خصوصاً زمان حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان، به این باغ و بنا سخت بی‌مهری شد. در دورهٔ پهلوی اول نیز در بنا و باغ تصرفاتی کردند. بر اساس برخی از اسناد لشکری و دیوانی دورهٔ پهلوی اول، می‌توان به وضع این باغ و عمارت در اوایل دورهٔ پهلوی و تا اندازه‌ای در اواخر دورهٔ قاجاریان پی برد.

عمارت چهل‌ستون کوشکی واقع در میان باغی به همین نام، از مجموعه باغهای دولت‌خانهٔ صفوی در اصفهان، است که شاه عباس اول صفوی (حک ۹۹۶–۱۰۳۸ق) آن را بنیاد گذاشت. این باغ، با بیش از سیصد متر طول و تقریباً به همین اندازه عرض،[2] با چنارهای سربرافراشته و خیابانهای مشجر «که تمام عرض آنها به بهترین و مطبوع‌ترین وجهی در زیر سایه قرار گرفته»[3] بود، همراه با فواره‌های بی‌شمار استخر آن، در دورهٔ صفویه منظره‌ای بی‌نظیر و زیبا داشت که به قول کمپفر(۱)، اگر کسی «از این همه لطف لذت نبرد، باید گفت که کج‌طبعْ جانوری است.»[4]

دربارهٔ باغ و عمارت چهل‌ستون و طرح معماری و تزیینات و نقاشیهای آن سخن بسیار گفته‌اند. هدف از این مقاله عرضهٔ اسناد منتشرنشدهٔ دورهٔ پهلوی اول دربارهٔ آنهاست. از این اسنادِ کمابیش هم‌زمان می‌توان به وضع باغ و عمارت چهل‌ستون در اوایل دورهٔ پهلوی، پیش از تصرفات آن دوره و تقریباً در وضعی که در اواخر دورهٔ قاجاریه داشته است، پی برد.

♦

عمارت چهل‌ستون، از «مجلل‌ترین، باشکوه‌ترین، و بزرگ‌ترین بناهای سلطنتی»[5] دورهٔ صفویه، تاکنون فراز و نشیبهای فراوانی را از سر گذرانده است. این عمارت، «که از جلو با بیست ستون چوبی بلند قرمز، عمارت تخت‌جمشید را به یاد می‌آورد»،[6] در اواخر دورهٔ صفویه، در زمان سلطنت شاه سلطان‌حسین (حک ۱۱۰۵–۱۱۳۵ق)، دچار حریق شد و پادشاه، که این حادثه را مقدر می‌دانست، گذاشت تا در آتش بسوزد و سپس به تعمیر و بازسازی‌اش دستور داد.[7]

عمارت چهل‌ستون، علاوه بر زیبایی ظاهری، معنایی رمزآلود نیز دارد، که هر کس آن را از ظن خود تفسیری کرده است. واژهٔ «چهل» را در نام آن گاه نشان قداست این عدد و گاه نشان کثرت شمرده‌اند. دربارهٔ سابقهٔ قدسی بنا هم سخنانی گفته‌اند؛ از جمله اینکه پرستشگاهی از دوران باستان[8] و مسجدی از دوران اسلامی[9] است. شاید بر اساس همین پیشینه بود که شاه سلطان‌حسین همت به خرج داد و آن را بازسازی کرد. با این همه، تقدیر آن بود که چهل‌ستون از گزند روزگار در امان نباشد؛ به‌طوری که علاوه بر آسیبهای ناشی از آتش‌سوزی و سپس هجوم افغانان، سلسله‌های پس از صفویه نیز بدان

(1) Engelbert Kaempfer/ Kämpfer (1651-1716)

بی‌مهری کردند؛ و صدمات فراوانی بر آن وارد شد. هنگام حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان (۱۲۹۱–۱۳۰۵ق)، با بی‌سلیقگی تمام، «در قصر، تزیینات زیبای دیوارها، غیر از نقاشیها، با رنگ قرمز آجری تند و زننده‌ای پوشانده شده بود.»[۱۰] همچنین با بی‌تدبیری، «در باغ، درختان چنار زیر ضربه‌های تبر یک گروه هیزم‌شکن فرومی‌افتاد.»[۱۱] این در حالی بود که با توجه به فضای مستبدانهٔ حاکم بر جامعهٔ ایران، هرگونه اعتراض به این عمل، به قول ادوارد براون[۲]، «به این جواب اصیل ایرانی منجر می‌شد که 'دیگر حکم است'.»[۱۲]

فرد ریچاردز،[۳] نقاش و حکاک عضو انجمن نقاشان و حکاکان سلطنتی انگلستان که در اوایل دورهٔ سلطنت رضاشاه از باغ و عمارت چهل‌ستون دیدار کرد، دربارهٔ وضع اسف‌بار باغ چهل‌ستون می‌نویسد: «باغهای کاخ بر اثر عدم مراقبت سرسبزی خود را از دست داده و فقط درختان و استخر باقی مانده است.»[۱۳] او دربارهٔ استخر باغ نیز، که سیاحان اروپایی دورهٔ صفویه در وصف زیباییهای آن و آهنگ دل‌نواز فواره‌هایش سخنها گفته‌اند، آورده است:

> استخر مزبور یکی از بزرگ‌ترین استخرهای ایران به شمار می‌آید و اطراف آن، که از قطعات بزرگِ سنگ ساخته شده، اکنون محل آمدورفت هزاران قورباغهٔ پرسروصداست.[۱۴]

بی‌تدبیری و بی‌اعتنایی حاکمان و مردمان به چهل‌ستون ادامه داشت، تا اینکه در سال ۱۳۱۰ش در وضع آن تغییری حاصل شد. چنان‌که از اسناد برمی‌آید، باغ چهل‌ستون و عمارت آن، همچون بسیاری از بناهای تاریخی، در دورهٔ رضاشاه در اختیار تیپ مستقل اصفهان بوده است. البته قراین حاکی از آن است که بسیاری از مکانهای تاریخی در سراسر کشور در اختیار نظامیان بوده است. در این زمان، بخشی از عمارت تیموری که در مجاورت باغ چهل‌ستون قرار داشت محل ادارهٔ بلدیهٔ اصفهان بود. در سال ۱۳۱۰ش، تیپ مستقل اصفهان برای استقرار مدرسهٔ وکیلی خواستار عمارت تیموری شد.[۱۵] بلدیهٔ اصفهان هم در ازای واگذاری عمارت تیموری، باغ و عمارت چهل‌ستون را مطالبه کرد.[۱۶] هرچند که ظاهر قضیه بیانگر توافق میان بلدیهٔ اصفهان و تیپ مستقل است؛ تحول رخ‌داده در حوزهٔ بلدیه نمی‌توانست در این امر بی‌تأثیر باشد.

در سال ۱۳۰۹ش، قانون بلدیهٔ مصوب مجلس اول مشروطه تغییر کرد[۱۷] و بلدیه از نهاد مدنی‌ای کاملاً منتخب مردم به نهادی دولتی تبدیل شد. اگر تا پیش از این، دست‌کم در قانون و نه در عرصهٔ عمل، رئیس بلدیه نمایندهٔ منتخبان مردم در انجمن بلدی بودند، در قانون جدید، رئیس بلدیه نمایندهٔ دولت و کارگزار آن بود. هرچند قانون مصوب ۱۳۰۹ش شأن دموکراتیک بلدیه را فروکاست، در عرصهٔ عمران شهری موجب اقدامات مهمی شد؛ از جمله واگذاری قلعه‌ها و مکانها و بناهای تاریخی و تفرجگاههای در اختیار نظامیان به بلدیه‌ها. بر همین اساس، ارگ بم، باغ یوسف‌آباد و آسیابهای آن، قلاع خراسان و... به بلدیه‌ها واگذار شد.[۱۸]

به هر روی، در نهایت پس از مکاتبات متعدد بین ادارات دولتی، آن قسمت از عمارت تیموری اصفهان که در اختیار بلدیه قرار داشت، همراه با بقیهٔ عمارت مذکور که در تصرف مالیهٔ اصفهان بود، در اختیار تیپ مستقل اصفهان قرار گرفت.

در ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۰ش، در این خصوص کمیسیونی با حضور نایب محمدحسین‌خان وثوق، دژبان ساخلوی اصفهان، از طرف فوج مستقل اصفهان و یزد، و میرزا محمدعلی‌خان ایروانی، از طرف ادارهٔ بلدیهٔ شهر اصفهان، تشکیل شد. براساس صورت‌جلسه‌ای که در همان تاریخ به امضای دژبان نظامی ساخلوی اصفهان و متصدی کتابخانهٔ بلدیه رسید، باغ و عمارت چهل‌ستون به ادارهٔ بلدیهٔ اصفهان واگذار شد.[۱۹]

در صورت‌جلسهٔ مذکور، حدود چهارگانهٔ باغ چهل‌ستون به‌دقت مشخص، و توصیفی نسبتاً کامل از باغ و عمارت چهل‌ستون و نواحی اطراف آن بیان شده است. در قسمت اول صورت‌جلسه، در مورد حدود باغ چهل‌ستون چنین آمده است:

> باغ چهل‌ستون محدود است شمالاً به خیابان سپه، شرقاً به عمارت تیموری و عمارت باغ کاج و خلوت حکومتی، جنوباً به زمین حیدری و اراضی هشت‌بهشت، که فعلاً قطعه‌قطعه و ابنیه ساخته شده، و غرباً به خانه‌های حاج محقق طادی و میرزا غلام‌حسین ارباب و کازرونی و خیابان تلگراف‌خانه، دارای دو طرف نرده و یک برج که در زاویهٔ شمال غربی است می‌باشد.[۲۰]

(2) Edward Granville Browne (1862-1926)

(3) Fred Richards

در قسمت دیگری از صورت‌جلسه، موقعیت درِ ورودی باغ چهل‌ستون مشخص و ساختمانهای سمت چپ و راست آن چنین توصیف شده است:

درب ورود و بزرگ چوبی، که چهار قطعه نردهٔ آهن دارد، واقعه در ضلع شمالی، که سمت راست آن بنای یک گلخانه با هفت درب قاب شیشه و یک اتاق یک‌دری و یک پستو و یک مستراح دارای درب چوبی و سمت چپ آن بنای یک قراول‌خانه و یک اتاق پشت دارای دو درب و دو پنجره قاب شیشه و یک اتاق یک دری و یک مستراح دارای یک درب چوبی [است].[۲۱]

در بخشی از صورت‌جلسه هم تعداد درختان باغ و وضع استخر آن بیان شده است:

اشجار باغ، مطابق صورت علی‌حدهٔ ضمیمه، هفتادویک قطعه مشجّر در ۷۵۲ قلم تنظیم گردیده است. استخر باغ، که اضلاع و حاشیهٔ آن سنگی و در چهار زاویهٔ آن چهار مجسمه از آثار حجاریهای عهد قدیم می‌باشد، هریک دارای چهار صورت انسان حجّاری‌شده می‌باشد. یک آلاچیق، که سقف آن از آهن سیاه و محیط آن دارای نردهٔ چوبی و سکوی آجری و آجرفرش‌شده می‌باشد، در جلو حوض کوچک سنگی سمت جنوبی باغ واقع و بنا شده است.[۲۲]

یکی از بخشهای مهم این صورت‌جلسه بخش معرفی عمارت چهل‌ستون است، که در آن به‌تفصیل جزئیات قسمتهای بیرونی و درونی عمارت ذکر شده است:

عمارت تاریخی چهل‌ستون، که قسمت سالن و ایوانهای مسقّفش به طرز رومی و سطح آجرفرش و قسمت ایوان آن شیروانی به طرز ازمنهٔ سالفه از الوارهای قطور و چوب‌بست قابل ملاحظه می‌باشد، که اطراف قسمت قُدّامی دارای طرّه‌ها و دریچه‌های بادگیر متعدد است. ابنیه‌اش به شرح ذیل تشخیص می‌یابد:

۱. ایوان مقدم و جلو دریاچه دارای سه پلکان سنگی در سه طرف، که یکی آن در دو طرفش دو ته‌ستون سنگی از حجاریهای قدیم است، و هیجده ستون طویل، که چهار عدد آن منتهی به چهار ته‌ستون سنگی که هر یک چهار صورت شیر و از حجّاریهای عصر عتیق می‌باشد، و در وسط سی‌وشش تخته سنگ مرمر که حاشیهٔ حوض سابق وسط ایوان بوده و بیست‌وچهار تخته‌سنگ مرمر بیاضی و ۹ تخته سنگ مرمر منقش[۲۳]

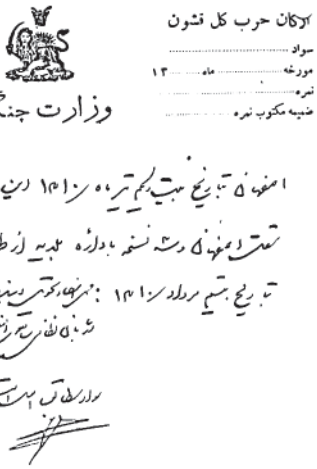
ارکان حرب کل قشون
سواد .....
مورخه ..... ماه ۱۳
نمره .....
ضمیمه مکتوب نمره .....
وزارت جنگ نمره ۵

منصوب به دیوارهای ایوان و سقف منبت و مذهّب‌کاری مینیاتوری قدیم روی تخته می‌باشد؛

۲. ایوان دوم دارای دو ستون طویل، شانزده تخته سنگ مرمر منقش[۲۴] و پنج تخته مرمر بیاض منصوب به دیوار و سقف آیینه و منبت‌کاری است؛

۳. ایوان کوچک آیینه‌کاری دارای چهار آیینه سنگ و یک دریچهٔ آیینه، که محل دو جلد کلام‌الله مجید، یکی به خط حضرت امام حسن علیه‌السلام و دیگری به خط حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام، و عهدنامهٔ منعقدهٔ علمای نصارا و یهود با حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و خرقهٔ شاه صفی [(شیخ صفی؟)]، که از آثار عتیقه است، می‌باشد؛ و شش تخته سنگ مرمر و دو ستون مرمر منقش منصوب به دیوار و چهار طاقچه، که هریک دارای تابلو صورتی عهد قدیم [است]. یکی از آنها [را، که] در اثر خرابیهای زمان ظل‌السلطان قسمتی ریخته و محو شده، به همین حالت در موقع ترمیم بازگذارده‌اند. چهار صورت نقاشی کوچک زیر قاب شیشه و چهار کتیبهٔ خط نسخ از خطوط شمس‌الدین ملاّ عبدالسعید گیلانی زیر قاب شیشه است، تزیین یافته؛

۴. اتاق اول: اتاق واقعه در سمت جنوبی ایوان دوم، دارای چهارده درب و یک دولابچه و سه پنجره قدّی قاب شیشه، سقف آن روی نقاشی جدید کتیبهٔ آن گچ‌بری جدید دوازده تابلو صورت نقاشی جدید و بخاری نقش گچ‌بری قسمت بالای آن روی آیینه است و قسمت فوقانی آن یک طاقچهٔ بلند منقش به گُل‌کاری قدیم؛

۵. اتاق دوم: واقعه در قسمت شمالی ایوان، دارای چهارده درب، سه پنجرهٔ قدی قاب شیشه، سیزده تابلو نقاشی

ت۱. سند ش۴، ص۶. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پروندهٔ ش ۸۲۹۸

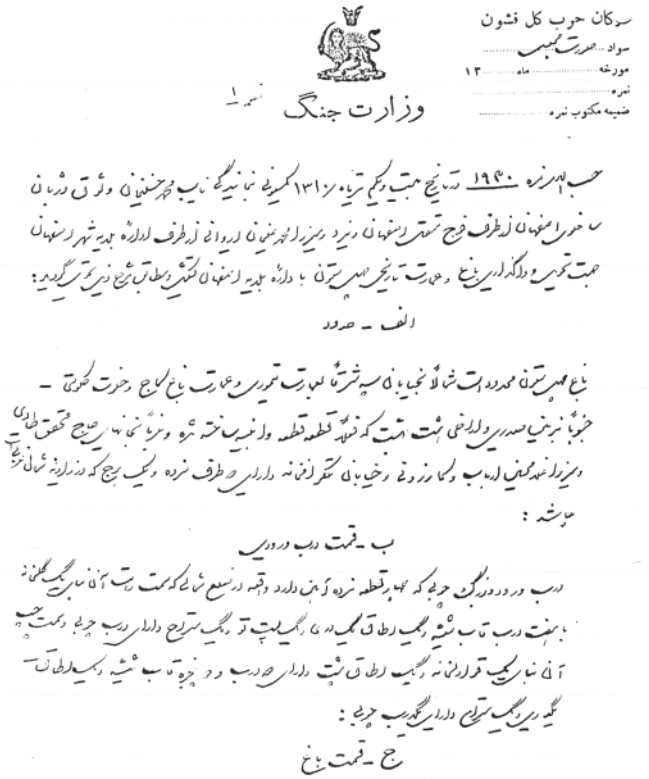

سرکان حرب کل قشون
سواد صورت مجلس
مورخه ماه ۱۳
نمره
ضمیمه مکتوب نمره

وزارت جنگ نمره ۱

حسب الامر نمره ۱۹۴۰ در تاریخ هجدهم دیماه سنه ۱۳۱۰ کمیسیونی مرکب از نایب محمدحسین‌خان و ژ ق دژبان
سابق اصفهان از طرف فوج تهران و اصفهان و نیز دو نفر از اهالی اصفهان و دو نفر از طرف اداره بلدیه شهر اصفهان
جهت تعیین و واگذاری باغ و عمارت تاریخی چهل‌ستون با اداره بلدیه اصفهان تشکیل و مطابق شرح ذیل تصمیم گرفتند:

الف ـ حدود

باغ چهل‌ستون محدود است شمالاً بخیابان سه‌شنبه‌ها عمارت تعمیری و عمارت باغ کاخ حضرت کورش ـ
جنوباً بزمین صحرایی و اراضی هشت هشت که فعلاً قطعه قطعه واگذار شده نخته شده و غرباً بخیابان صحن حقوق طلاوی
و نیز واگذار شده مخلص الدوله و کاروانسرا و خیابان تکرو افشانه دارای دو طرف نرده و یک پنجره که در زاویه شمالی غربی
عمارت است:

ب ـ قسمت درب و دریچه

درب ورودی یک چوبی که بعد از قطعه نرده آهنی واقع در ضلع شمالی که سمت راست آن نمای یک گلخانه
با هفت درب قاب شیشه رنگ و طاق کلیه دارای یک پنجره تو رنگ سه‌تراش و دارای درب چوبی و سمت چپ
آن نمای یک قهوه‌خانه رنگ یک طاق هشت دارای دو درب و دو پنجره قاب شیشه رنگ یک طاق ـ
یک دری رنگ سه‌تراش و دارای یک درب چوبی:

ج ـ قسمت باغ

ت۲. سند ش۴، ص۱. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پروندهٔ ش۸۲۹۸

و بخاری و کتیبه و بدنهٔ دیوار دارای نقوش گُل‌کاری قدیم، که جدیداً مرمت شده، و قسمت سقف آن، که در اثر گچ‌کاری روی آن خراب و پس از ترمیم و تعمیر به حالت اولیهٔ خود باقی گذارده شده؛

۶. اتاق سوم و چهارم در دو سمت ایوان آیینه‌کاری، دو اتاق کوچک دارای هفت درب، دو پنجره و دو نردهٔ آهن و دو دولابچه و یک قهوه‌خانهٔ یک دری است؛

۷. سالن بزرگ، که سقف آن رومی مذهّب و منقش به نقوش قدیمه است، دارای شش پنجرهٔ قدی قاب شیشه و ده درب و شش تابلو بزرگ میدان جنگ و نبرد نادرشاه و شاه عباس و مجالس پذیرایی سلاطین صفویه و هیجده تابلوی کوچک روی گچ، تصاویر قدیمه و یک تابلو عکس ناصرالدین شاه و چهار بخاری، که در جلو هر یک دیواره و زمینهٔ سنگی است، می‌باشد؛

۸. ایوان جنوبی، دارای چهار ستون و پانزده تابلو، که به مناسبت خرابی واردهٔ زمان ظل‌السلطان تعمیر نشده و اغلب محو شده است؛

۹. ایوان شمالی، دارای چهارستون و ده قطعه تابلو تعمیر نشدهٔ قدیم و دوازده تابلوی تعمیرشده؛

۱۰. ایوان غربی، دارای سه تابلوی تعمیرنشدهٔ قدیمی؛

۱۱. اتاق پنجم، دارای چهار درب، دو پنجره و دو نردهٔ آهن و یک دولابچه؛

۱۲. اتاق ششم، دارای دو درب و یک درب پلکان؛

۱۳. اتاق گوشوار زاویهٔ شمال غربی، دارای یک درب، نردهٔ چوبی کوچک جلو ایوان؛

۱۴. اتاق گوشوار زاویهٔ جنوب غربی، دارای سه درب و یک درب دولابچه؛

۱۵. اتاق گوشوار زاویهٔ جنوب شرقی، دارای دو درب و یک درب دولابچه و یک پنجرهٔ قاب شیشه؛

۱۶. اتاق گوشوار زاویهٔ شمال شرقی، دارای دو درب و یک پنجرهٔ شیشه، یک درب دولابچه.[۲۵]

در بخش پایانی صورت‌جلسه، اطراف عمارت چهل‌ستون چنین وصف شده است:

> چهار طرف عمارت را جوی سنگی احاطه نموده. ایوانهای سه طرف عمارت دارای پله‌های سنگی است. یک مجسمهٔ سنگی چهار شیر از آثار تخت جمشید در باغچهٔ قسمت شمالی عمارت قرار داده شده است.[۲۶]

سند دیگر در همان دوره نوشته‌ای از صادق هدایت است. هدایت در کتاب *پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان*، که در سال ۱۳۱۲ش به چاپ رسیده، مشاهدات خود از عمارت چهل‌ستون، به‌ویژه دیوارنگاره‌های آن را چنین نگاشته است:

> به دیوار، نقاشیهایی دیده می‌شود که روی همهٔ آنها [را] در زمان ظل‌السلطان گچ گرفته بودند و عمداً خراب کرده‌اند. در بعضی از آنها، مخصوصاً گل‌وبته زمینهٔ دیوار به کلی از بین رفته است و رویش را رنگ آبی ساده زده‌اند. در دو اتاق دو طرف ایوان و ایوانهای روبه بیرون آنها، هنوز نقاشیها و ته‌رنگ آنها باقی مانده است. مخصوصاً نقش‌ونگار روی بدنهٔ دیوار و سقف آن خیلی جالب است و برای نقش روی کاشی، گل‌دوزی، منبت‌کاری، و قالی‌بافی سرمشقهای گران‌بهایی به دست می‌دهد. قسمت بالای ایوان، تالار چهل‌ستون واقع شده و تقریباً دست‌نخورده مانده است؛ به‌جز ازارهٔ دیوار و یک عکس ناصرالدین‌شاه که در مقابل نقاشیهای دورهٔ صفوی گریه می‌کند [...]. پرده‌های بزرگی که دور تالار در قسمت بالای آن کشیده شده یکی از جنگهای شاه اسمعیل را نشان می‌دهد و یکی از آنها مجلس بزم شاه عباس را که با سبیلهای از بناگوش در رفته آن بالا نشسته و نمایندگان خارجه و بزرگان دورتادور او نشسته‌اند، مشغول می‌گساری هستند؛ مانند همان

مجالسی که شاردن نقل می‌کند [...]. گویا این پرده‌ها به دستور نادرشاه کشیده شده؛ برای اینکه پادشاهان صفوی را عیاش و بی‌قابلیت نشان بدهد و آنها را از چشم مردم بیندازد و در عوض خودش را مرد جنگی قلم بدهد.

پایین این پرده‌ها، نقاشیهای کوچک دیگر از زیر گچ درآورده‌اند، که اغلب آنها بی‌اندازه قشنگ و پیداست که کار استادان زبردست می‌باشد [...]. شیوهٔ نقاشیها مختلف است. در آن تأثیر چینی هم دیده می‌شود؛ و در ایوان دو طرف عمارت چند پرده از کار نقاشان هلندی هم وجود دارد که عکس سوارهای قدیم و موضوعهای اروپایی است، که اغلب آنها از پا درآمده و رویش را یادگاری نوشته‌اند [...]. این پرده‌ها پر از روح است و بعد از سیصد سال، هنوز نقاش احساسات خودش را از روی همین نیشهای قلم‌مو به ما انتقال می‌دهد و ما را در خوابهای شیرین و عشق‌انگیز می‌کشاند. و همین پایهٔ تمدن و بزرگی آن زمان را می‌رساند؛ زیرا تنها چیزی که در آیندگان تأثیر دارد همین تراوشهای عجیب، مانند نقاشی، معماری، ساز، و ادبیات است که انسان را به هیجان می‌آورد و قلب را به تکان می‌اندازد و حس ظرافت را تهییج می‌کند. همهٔ این صورتها از زیر گچ نیم‌تراشیده، نیم‌پاک‌شده با انسان حرف می‌زنند و زندگی مرموز، بی‌حالت، و خشک‌زدهٔ خودشان را با زبان بی‌زبانی بیان می‌کنند؛ به‌طوری که انسان از تماشای آن دل نمی‌کند. شیوهٔ نقاشی ایرانی هیچ‌وقت ظرافت و قشنگی خود را از دست نمی‌دهد. همین برتری آن را بر نقاشی اروپایی نشان می‌دهد که در هر قرن و هر زمان تغییر می‌نماید.[۲۷]

اما واگذاری چهل‌ستون به بلدیه پایان کار نبود. پس از واگذاری باغ چهل‌ستون، بر سر تعیین حدود شرقی آن بین بلدیه و ادارهٔ قشون اصفهان اختلاف افتاد، که حکومت اصفهان در گزارشی به این موضوع اشاره کرده است:

راجع به تخلیهٔ عمارت چهل‌ستون و تحویل آن به بلدیه عرض می‌نماید: یک قسمت عمارتی در ضلع شرقی باغ چهل‌ستون عبارت از چندین اتاق و انبار بود، که تحویل ادارهٔ نظام وظیفه و محل آن اداره بود، که در موقع تحویل به آنجا نوشته شد؛ تخلیه نمودند. اینک، از قراری که بلدیه می‌نویسد، نظر به اینکه ضلع مزبور وصل به عمارت باغ کاج و محلی است که فعلاً ادارهٔ قشونی آنجا را شعبهٔ دژبانی قرار داده‌اند؛ خیال دارند آن عمارت را هم ضمیمهٔ باغ کاج نمایند. گرچه عمارت مزبور مورد احتیاج بلدیه یا حکومت نیست و عمارت قدیمی هم نیست که حفظش از نقطه نظر آثار ملی لازم باشد؛ ولی نظر به اینکه برای حفاظت عمارت چهل‌ستون که در اختیار بلدیه خواهد بود، باید باغ و عمارت کاملاً به اختیار بلدیه باشد تا بتواند انجام وظیفه نماید؛ و با این ترتیب که در یک قسمت این باغ افراد قشونی و غیره رفت و آمد نمایند، به‌هیچ‌وجه حفاظت عمارت و غیره ممکن نخواهد بود.[۲۸]

در مقابل، فرمانده فوج مستقل اصفهان اتاقهای مورد مناقشه را متعلق به باغ کاج می‌دانست و برای رفع اختلاف، نرده‌گذاری بین باغ کاج و باغ چهل‌ستون را خواستار بود:

اتاقهای منظور [...] اساساً از اتاقهای باغ کاج و طرز ساختمان و وضعیت آن و اتصال راهروها و باز شدن دربهای آن در باغ کاج کاملاً مشهود و مثبوت می‌دارد که جزو باغ کاج بوده و به هیچ وجه مربوط به چهل‌ستون نیست. از سابق هم اتاقهای مزبور معروف به «اتاق نظام» بوده و در مقابل آنها معادل ده ذرع زمین از فضای فعلی باغ چهل‌ستون منحصراً متعلق به اتاقهای مزبور بوده، که به وسیلهٔ نرده‌های آهنی که از سنگهای چخماقی قدیم بوده از فضای چهل‌ستون مجزا گردیده؛ و در زمان لشکر جنوب که هر دو عمارت (چهل‌ستون و باغ کاج) به تصرف قشون درآمده، نرده‌های مزبور برداشته شده است. فعلاً هرگاه از اتاقها و فضای مزبور صرف‌نظر و به چهل‌ستون واگذار شود؛ عمارت باغ کاج، که برای محل سکونت افراد مدرسه و کلاس پیاده از روی ضرورت و احتیاج تعمیر می‌شود، بلااستفاده خواهد ماند. علی‌هذا مستدعی است امر و مقرر فرمایید ادارهٔ بلدیه محل مزبور را به صورت اولیه مفروض نموده و به منظور حفاظت و جلوگیری از آمدورفت افراد نظامی هم ممکن است ادارهٔ بلدیه کمافی‌السابق نرده گذارده و از باغ چهل‌ستون مجزا نمایند.[۲۹]

ظاهراً این اختلاف با پذیرش پیشنهاد فرماندهٔ فوج مستقل اصفهان، یعنی نرده‌گذاری بین باغ کاج و باغ چهل‌ستون، به پایان رسید؛ زیرا صادق هدایت در مشاهدات خود از چهل‌ستون، در حدود یک سال پس از این تاریخ، به این نکته اشاره کرده است: «پیداست که به‌تازگی دور باغ آن را نرده کشیده‌اند. در باغ از ما اجازهٔ ورود خواستند؛ و این خودش اسباب امیدواری بود.»[۳۰]

اختلاف به تعیین حدود باغ چهل‌ستون محدود نماند؛ و در مورد اشیای موجود در عمارت چهل‌ستون نیز مناقشه کردند. تیپ مستقل اصفهان از تحویل چهار شیء نفیس موجود در عمارت، مشتمل بر «دو جلد قرآن به خط حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام زین‌العابدین (ع) و یک طغرا عهدنامهٔ حضرت امیر (ع) و خرقهٔ شاه صفی»،[۳۱] به بلدیه خودداری و آنها را به عمارت تیموری منتقل کرد. سپس تصمیم گرفتند آنها را به تهران بفرستند. سرانجام این اشیا را با فرمان رضاشاه به وزارت معارف و اوقاف تحویل دادند.[۳۲]

در پایان، گفتنی است که اهمیت اسناد یادشده در شرح نسبتاً کاملی است که از وضع باغ و عمارت چهل‌ستون در دورهٔ رضاشاه به دست می‌دهد و می‌توان آنها را از نخستین آثار مکتوب داخلی در شرح این عمارت دانست.□

کتاب‌نامه

اولئاریوس، آدام. *اصفهان خونین شاه صفی (سفرنامه)*، ترجمهٔ حسین کردبچه، تهران، هیرمند، ۱۳۷۹.

بایگانی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی، اسناد ش ۲۳۰۰۰۱۱۰۰ و ۲۴۰۰۳۴۸۵۸.

بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پروندهٔ ش ۸۲۹۸، اسناد ش ۱، ۳، ۵، ۷، ۸.

براون، ادوارد گرانویل. *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمهٔ مانی صالحی علامه، تهران، ماه‌ریز، ۱۳۷۹.

دیولافوا، ژان. *ایران، کلده و شوش*، ترجمهٔ علی‌محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

ریچاردز، فرد. *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ترجمهٔ مهین‌دخت صبا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

شاردن، ژان. *سفرنامهٔ شاردن*، ترجمهٔ اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴.

کرزن، جرج ن. *ایران و قضیهٔ ایران*، ترجمهٔ ع. وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

کمپفر، انگلبرت. *سفرنامهٔ کمپفر*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.

مختاری اصفهانی، رضا. *اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰هـ.ش)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

هدایت، صادق. *پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان*، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶.

پی‌نوشتها:

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر
۲. انگلبرت کمپفر، *سفرنامهٔ کمپفر*، ص ۲۰۶.
۳. همان‌جا.
۴. همان، ص ۲۰۷.
۵. ژان شاردن، *سفرنامهٔ شاردن*، ج۴، ص ۱۴۵۰.
۶. صادق هدایت، *پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان*، ص ۶۴.
۷. جرج کرزن، *ایران و قضیهٔ ایران*، ج ۲، ص ۴۰.
۸. ژان دیولافوا، *ایران، کلده و شوش*، ص ۲۵۹.
۹. آدام اولئاریوس، *اصفهان خونین شاه صفی (سفرنامه)*، ص ۶۰۸.
۱۰. ادوارد براون، *یک سال در میان ایرانیان*، ص ۲۳۰.
۱۱. همان‌جا.
۱۲. همان‌جا.
۱۳. فرد ریچاردز، *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ص ۷۳.
۱۴. همان‌جا.
۱۵. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پروندهٔ ش ۸۲۹۸، سند ش ۱.
۱۶. همان، سند ش ۲.
۱۷. مختاری اصفهانی، *اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ هـ.ش)*، ج ۲، ص ۸۶۳-۸۷۲.
۱۸. بایگانی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی، اسناد ش ۲۳۰۰۰۱۱۰۰ و ۲۴۰۰۳۴۸۵۸.
۱۹. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۳.
۲۰. همان، سند ش ۴.
۲۱. همان‌جا.
۲۲. همان‌جا.
۲۳. در اصل: نقش.
۲۴. در اصل: نقش.
۲۵. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۴.
۲۶. همان‌جا.
۲۷. صادق هدایت، همان، ص ۶۴-۶۶.
۲۸. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۵.
۲۹. همان، سند ش ۶.
۳۰. صادق هدایت، همان، ص ۶۴.
۳۱. بایگانی وزارت دربار پهلوی اول، همان، سند ش ۷.
۳۲. همان، سند ش ۸.